

نگاهی به نشریات طنز و فکاهی سال اول پیروزی انقلاب اسلامی (۶)

# خنده با چشمان کاملاً بسته

بهزاد توفیق فر  
پژوهشگر طنز

ساختار جدید نیز بی‌اطلاع بودند؟ یعنی نمی‌دانستند که رئیس دولت، نه نخست‌وزیر، بلکه رئیس‌جمهور است و اصولاً در این ساختار، رئیس‌جمهور غیر از نخست‌وزیر (که در ساختار جدید همان جایگاه معاون اول را دارد) و اعضای کابینه، کسی و ابزاری برای اعمال سیاست‌ها و انجام امور ندارد. بگذریم از اینکه رئیس‌جمهور وقت، علاوه بر ریاست دولت و کل قوای اجرایی، فرمانده کل قوای دفاعی و نظامی کشور نیز بود و طبیعتاً همه منابع و امکانات لازم و موجود را برای انجام کار در اختیار داشت. اما بهلول با نادیده گرفتن این نکته واضح و بدیهی، علاوه بر نگهداری بنی‌صدر در حاشیه امن نسبت به انتقادات و مشکلات، در بسیاری موارد تلاش می‌کرد تا سطح اختیارات و مسئولیت بنی‌صدر را در حد سخنرانی و توصیه یا فقط انجام امور خیریه و عام‌المنفعه! پایین بیاورد. از سویی در سرمقالات و برخی ستون‌های جدی‌تر مجله مانند ستون ثابت «اخبار پشت پرده»، بهلول نگاه خود به مسائل و تحلیل خود را از اخبار بازگو می‌کرد که مؤید نگاه ما است. برای مثال این مطلب را از صفحه ۱۷ شماره ۴۸ (۴ خرداد ۱۳۵۹) بهلول بخوانید:

«دفتر ریاست‌جمهوری برای جبران ضعف پارلمانی خود [تعداد اندک کرسی‌های در اختیار نیروهای لیبرال و غرب‌زده] در فکر تقویت سایر جبهه‌ها می‌باشد. به همین جهت می‌کوشد تا تمام سازمان‌های سیاسی اسلامی را به دور خود گرد آورد. یکی از این سازمان‌ها که در بین نوجوانان طرفداران بسیار دارد سازمان مجاهدین خلق [منافقین] است که دفتر ریاست‌جمهوری برای جلب آن دست به اقداماتی زده است. حریف [هم] برای خنثی کردن شگرد جدی، تمام توپ‌های خود را به روی مجاهدین و به ویژه مسعود رجوی باز کرده و در انتخابات اخیر حتی نگذاشته یک نفر از مجاهدین به مجلس راه پیدا کند.»

در فاصله اسفند ۵۷ تا خرداد ۶۰، جبهه مقابل بهلول که همواره بدان می‌تازید این سه بود: محترمان و گران‌فروشان (بخوانید بقالی‌های محل و دلال‌های خرده پا)؛ نخست‌وزیر و وزراء، خصوصاً شخص محمدعلی رجایی (که مسئول همه کمبودها، نواقص، جنگ، سوراخ شدن لایه اوزون و مرگ بروسولی معرفی می‌شدند) و صدام و حامیانش (که با شروع حمله به ایران در شهریور ۱۳۵۹ به لیست موضوعات همه رسانه‌ها اضافه شد).

احتمالاً به نظر مخاطب فرهیخته برسد که شاید در آن فضای غبارآلود و بدون سابقه و تجربه مردم‌سالاری و ساختار جمهوری در اداره کشور تا آن زمان، بهلول در تشخیص حق و باطل یا ظالم و مظلوم یا دلسوز و خائن دچار اشتباه و خطا شده و علی‌رغم دلسوزی، نتوانسته است به درستی جبهه درست را انتخاب کند. این سوال در بدو امر منطقی به نظر می‌رسد اما اگر دقیق نگاه کنیم باید پرسید آیا بهلول و سیاست‌گذاران آن که قاعدتاً مدیرمسئول و سردبیر آن (برادران سکاکی) بودند، از مسئولیت‌ها و شرح وظایف



گفتیم که ساختار رئیس‌جمهور - نخست‌وزیر، این بهانه را به دست بنی‌صدر می‌داد تا وعده‌ها و شعارهای طوفانی را خودش بردارد و ضعف‌ها و مشکلات مردم‌آزار را برگردن نخست‌وزیر بیاندازد. «بنی‌صدر در مصاحبه رادیو تلویزیونی تأکید کرد اگر دولت آینده از یک گروه یا حزب خاصی باشد، از نظر رئیس‌جمهور اشکالی ندارد اما در قبال آن مسئولیتی نخواهد پذیرفت» (۵ مرداد ۱۳۵۹ - روزنامه انقلاب اسلامی). بهلول نیز البته با احتیاط کامل، جانبداری خود را از بنی‌صدر ادامه می‌داد و کارشکنی‌های رئیس‌جمهور در مسیر قانونی انتخاب نخست‌وزیر و آغاز به کار دولت را عمداً نادیده می‌گرفت.

شرایط کشور پس از انقلاب و وقت تلف شده یک ساله دولت مهدی بازرگان که با دعوای درون جناحی و قهر و آشتی‌های بی‌گانه نهضت آزادی گذشت، با آغاز درگیری‌های پراکنده گروه‌های تجزیه‌طلب و ضدانقلاب، ملتهب‌تر می‌شد. از سوی دیگر احتکار کالاهای اساسی و گران‌فروشی و ایجاد بازارسیاه توسط عده‌ای سودجو، وضعیت مردم را دشوارتر می‌کرد و آغاز جنگ تحمیلی نیز، فشاری مضاعف را به دولت شهید رجایی و مردم تحمیل می‌کرد. اگرچه در این وضعیت، بنی‌صدر وعده رفع گرانی و مبارزه با احتکار می‌داد اما در عمل، اجازه تشکیل دولت را نمی‌داد. چنانچه از اسفند ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۵۹، هنوز نخست‌وزیر و کابینه دولت به مجلس معرفی نشده بودند. تا جایی که رئیس‌جمهور یک روز مانده از وقت قانونی صدور، حکم نخست‌وزیری رجایی را صادر و بلافاصله به سفر داخلی رفت و رجایی نیز در پایان همین روز مهلت قانونی با توجه به عدم حضور رئیس‌جمهور، موفق به معرفی وزیران کابینه‌اش به مجلس نشد و اجباراً منتظر بازگشت رئیس‌جمهور ماند.

بهلول اما همچنان برای بنی‌صدر رپرتاژ آگهی منتشر می‌کرد و در عین حال، مدام سایر نهادها و افراد را از جنگ قدرت و نهمت و بهتان منع می‌کرد. در واقع با نگاهی به مجلات بهلول منتشر شده

